

زبان و نوشتار اورارتوی

علی.م. دینچل و بلکیس دینچل

مترجم: بابک نیلوفری*

به یاد آن گرامی‌یار، دوست سفرکرده "گودرز صفری"

عنوان گردیده و بعدها مورد توجه متخصصان قرار گرفته و از آن پس دوره‌ای طولانی مدت جهت تحقیق بر روی این زبان و نیز انتساب این زبان به یکی از خانواده‌های زبانی مشابه آغاز گردید. پس از نتایج اشتباه بی‌شمار ثابت گردید که زبان اورارتو مشتق شده از زبان هورزی (Hurrian) بوده که یکی از زبان‌های صحبت شده در آناتولی در هزاره دوم پیش از میلاد می‌باشد. هرچند زبان اورارتو به‌طور مستقیم از زبان هورزی در یک رابطه مادری و دختری توسعه نیافته بود اما می‌توانستند آن‌چنان که شایسته است به‌عنوان رابطه خاله و خواهرزاده توضیح داده شوند. پرسش از این زبان به کدام خانواده تعلق دارد، هم‌چنان مورد اختلاف است. هردو مورد یعنی هم زبان اورارتویی و هم هورزی رابطه‌ای را با زبان‌های قفقازی نشان می‌دهند، اما به‌دلیل فاصله زمانی زیاد بین آن‌ها غیرممکن به‌نظر می‌رسد که بتوان به‌طور کامل ماهیت این رابطه را نشان داد. خصوصیات مشترک بین گروه زبان هورزی و اورارتو و زبان‌های قفقازی پیشرفته در این است که فاعل در مورد حالت فاعلی با

یکی از دو تمدن در دوران پیش از کلاسیک آناتولی، امپراتوری هیتی (Hittite) بود که در هزاره دوم پیش از میلاد شکل گرفته و پس از تشکیل، زمام امپراتوری آن به مدت ۴۵۰ سال به‌طول انجامیده بود؛ یکی دیگر از آن دو تمدن پس از امپراتوری فوق‌الذکر، امپراتوری اورارتو (Urartu) بود که به‌عنوان تمامیت سیاسی در هزاره اول پیش از میلاد در ناحیه‌ای در اطراف دریاچه وان در آناتولی شرقی پا گرفته و حدود ۲۰۰ سال پیش از این که به‌وسیله امواجی تازه از مهاجران به داخل ناحیه از طرفی و نزاع با آشوری‌ها (Assyria) از طرف دیگر نابود شود، به‌عنوان یکی از قدرت‌های بلامنازع منطقه محسوب می‌گردید.

زبان اورارتو برای نخستین بار به‌وسیله سیاحان غربی که به ناحیه مورد اشاره سفر می‌کردند و اطلاعاتی در این باره بیان می‌نمودند،

یک قدرت نظامی در منطقه شده و به‌صورت اجتناب‌ناپذیر از دولت آشور به‌عنوان الگوی خود استفاده می‌کردند. به‌همین دلیل اورارتوها استفاده از خط میخی آشوری جدید را که به‌مدت زیادی توسط آشوری‌ها استفاده می‌شد را قبول نمودند. اما آن‌ها لوحه‌های گلی رُسی که یک وسیله نوشتاری مطلوب در میان‌رودان بود را به‌صورت گسترده به‌کار نبردند.

تاکنون لوحه‌های اورارتویی بسیار اندکی در کاوش‌های باستان‌شناسی از نواحی یاد شده کشف گردیده‌است. تعداد این کتیبه‌ها در حدود ۳۰ عدد می‌باشد و اکثراً این لوحه‌ها شامل مدارک مربوط به فعالیت‌های اقتصادی مثل فهرست کالاها یا نامه‌هایی خطاب به مقامات دولتی شامل دستورات اجرایی مختلفی که از سوی پادشاه صادر گردیده، می‌شوند. این نامه‌ها به‌وسیله مهر فرستنده تأیید شده‌است، عملی که در تمام خاور نزدیک امری عادی محسوب می‌گردید. کتیبه‌های روی صخره‌ها، سنگ‌های یادمانی و تخته سنگ‌های حکاکی شده که در سازه‌های معماری از آن‌ها استفاده شده‌است، بیش‌ترین کتیبه‌های اورارتویی را تشکیل می‌دهند.

به‌طور رایج مواد سنگی برای حکاکی از سنگ‌های بازالت و در مواردی کم از سنگ‌های آهکی انتخاب گردیده و استفاده شده‌است. ساختار آتش‌فشانی ناحیه اورارتو به‌این معنی است که بخش فراوانی از سنگ‌های بازالتی که اکثراً به‌صورت صخره سنگ‌های آذرین هستند در طیف وسیعی در آن منطقه وجود دارند. سنگ بازالت از سنگ آهک مقاوم‌تر است و در ضمن هنگامی که در معرض هوا قرار می‌گیرد نسبت به سنگ آهک از فرسایش بسیار کم‌تری برخوردار است؛ بنابراین بدون شک در ابعاد گسترده برای استفاده کتیبه‌ها ترجیح داده می‌شدند. اما در مورد محل‌هایی هم‌چون قلعه وان (Van) که بر روی صخره‌های آهکی ساخته شده، جای دیگری وجود ندارد و کتیبه‌ها بر روی سنگ آهک حک شده‌اند.

نزدیک به ۱۷۰۰ سند نوشته شده از اورارتوها تا به‌حال شناخته شده که در حدود ۴۰۰ تا از آن‌ها به‌طور کامل کتیبه‌های سنگی طولانی هستند. جدا از لوحه‌های سفالی، بقیه آن‌ها تنها کتیبه‌های یک یا دو خطی شامل موارد زیر هستند: کتیبه‌های روی اشیاء برنزی مانند سربندها، چشم‌بندها، زیورآلاتی برای مال‌بندهای بارکش، صفحات یراق اسب، زیورآلات یوغ، زنگ‌ها و قطعاتی مشابه برای اسب‌ها و ارابه‌ها، سر پیکان‌ها، کلاه‌خودها، سپرها، غلاف شمشیرها

افعال لازم استفاده می‌شود و در مورد افعال متعددی، فاعل حالت دو بجهی می‌گیرد. درحالی‌که مفعول حالت فاعلی می‌گیرد. تحقیقات طی ۵۱ سال گذشته مدرکی قوی نشان داده است که در آن هر دو گروه (هوزی و اورارتو) که در آناتولی صحبت می‌شدند و اکنون مرده هستند، از اعضای خانواده زبان قفقازی شرقی بودند. این خانواده شامل پنج گروه زبانی می‌شود:

هوزو- اورارتوری و دارگی - لژی (Darghian-Lezghian)،
لکی (Laki)، آوارو- آندی (Awaro-Andian) و باهی - چچن - اینگوش (Bahian-Chechen-Jngush).

خانواده زبان قفقازی غربی شامل هاتی (Hattian)، زبان دیگر مردم آناتولی و اعضای دیگر آن آدیگ (Adige)، کبارتای (Kabartay) ایب (Ubih) آبار (Abaz) و آبخاز (Abkhaz) بودند. از این زبان‌ها، ایب، با مرگ آخرین سخنگوی بومی در طی ۲۰ سال گذشته، جزو زبان‌های مرده قرار گرفت. زبان‌های غیر قفقازی صحبت شده در ناحیه - زبان‌های ازمنی و کردی که عضو زبان هندواروپایی هستند و لهجه آذربایجانی ترکیه غربی که عضو خانواده زبان اورال - آلتای (Ural-Altai) است - همگی گاه‌لا نامربوط به هوزو- اورارتویی هستند. بعضی ادعاها در این رابطه می‌بر واژه‌های قرضی و نفوذ عوامل دستور زبان به‌دلیل این که صحبت‌کنندگان این زبان‌ها در ناحیه‌ای یکسان زندگی می‌نمودند مطرح شده‌است. ولی به‌نظر می‌رسد که چنین مسائلی از لحاظ سیاسی ترغیب گردیده‌اند.

کتیبه‌های اورارتویی به‌طور کلی شامل عبارات رایج مصطلح تکراری در اکثر متن‌های رسمی هستند، و بنابراین دانش ما از واژگان و دستور این زبان محدود می‌شود. برای مثال، از آن‌جایی که زمان اکثر جمله‌های این کتیبه‌ها در زمان گذشته هستند مثال‌هایی از همه اشخاص نصریفی (متکلم، مخاطب، غایب) برای افعال در زمان حال نداریم. چنین کمبودهایی در دانش کنونی ما، به‌مرور زمان و به‌صورت تدریجی و به‌وسیله اسناد تازه کشف شده، جبران می‌شوند و در نتیجه با مطالعات مقایسه‌ای که توسط زبان‌شناسان صورت می‌گیرد ویژگی‌های دستوری و آواشناسی بیش‌تری از این زبان در اختیار همگان قرار می‌گیرد.

آشوریان، در طول تاریخ اورارتو به‌عنوان بزرگ‌ترین حریف اقتصادی و نظامی این امپراتوری محسوب می‌گردند. اورارتوها به‌وسیله اتحاد فابل مختلف جهت ایستادگی در مقابل تهاجمات آشوریان تبدیل به

در ضمن مدرکی از یک کوشش برای پایه‌گذاری یک سیستم نوشتاری تصویری همگانی ملی اورارتویی به‌جای خط میخی آشوری جدید به‌چشم می‌خورد. متأسفانه این مدارک خیلی نادر بوده و به‌نظر می‌رسد که خواندن این نوع خط به راحتی امکان پذیر نباشد. از این مدارک اندک می‌توان به یک کتیبه طولانی بر روی لوح برنزی به‌عنوان لوح بودین (Budin)، جام آرام (نام‌گذاری شده براساس نام صاحب آن‌ها) و کتیبه‌های تصویری کوتاه‌تر روی صدها لوح نذری که در دهکده گیملی (Giyimli) نزدیک هُشاپ (Hoşap) در جاده‌هاکاری - وان (Van-Hakkari) کشف شده‌است، اشاره کرد. علائم و نشانه‌های نشان دهنده حجم و تعداد بر روی برخی تنگ‌ها، کوزه‌ها و ظرف‌های سفالی دیگر موجود است که در حد حرف و نشانه نبوده ولی این علائم مفهوم یک کلمه یا مفهوم کامل را می‌رسانند. این نمادهای ابداع شده که حفظ کردن آن‌ها راحت بوده، مأموران جزء که در خواندن خط میخی ناتوان بوده‌اند را قادر می‌ساخت که ثبت‌های اقتصادی را حفظ کنند. ما می‌توانیم استنباط کنیم که بلافاصله پس از ظهور این روش نوشتار تصویری، سقوط دولت اورارتو عملاً مانعی بزرگ برای پیشرفت هرچه بیشتر این نوع نوشتار بوده‌است.

کتاب‌نامه

-R.D; 1974. "The hieroglyphic writing of Urartu", Anatolian Studies, prefreted to H.G. Guterlack on the Occasion of bis 65 th (der: k.bittel ve ark). Istanbul. pp.43-45+lev XI-XIII.
- Belli, O; 1991. "Inscribed Metal Objects", Urartu: a metalworking center in the first millenium BCE (der: R.Merhav).Jerusalem. pp. 42-50.
- Diakonoff, L.M; 1971. Hurrisch and Urartaisch (Munchener studien zur sprachwissenschaft.

و تجهیزات نظامی دیگر و فدح یا کاسه‌ها، سطل‌ها(که برخی از آن‌ها نقره‌ای هستند)، شمع‌دان‌های چند شاخه، لوازم خانگی دیگر و لباس‌ها، کمربندها و تعداد اندکی حلقه‌های برنزی ساخته شده برای اهداف نذری. در کتیبه‌های سنگی طولانی عمدتاً فعالیت‌های عمرانی با نظامی پادشاهان اورارتو توضیح داده شده درحالی که کتیبه‌های کوتاه بیشتر تعلق شی به کاخ شاه یا به‌عنوان یک پیشکشی برای خدای مورد نظر را بیان می‌کنند.

اقتباس از یک روش نوشتاری اختراع شده و توسعه داده شده در منطقه‌ای دیگر به‌طور کلی در سه مرحله انجام می‌شود: در ابتدا سیستم نوشتاری برای زبانی به کار برده می‌شد که در اصل به آن تعلق داشت، در مرحله بعد، در کنار زبان خارجی از زبان محلی نیز استفاده می‌شد(کتیبه‌های دو زبانه) و بالاخره زبان خارجی به‌طور کلی کنار گذاشته شده و سیستم نوشتاری فقط برای زبان محلی به کار برده شده‌است.

اقتباس اورارتوها از خط میخی آشوری برای نوشتار خود هر سه مرحله را گذرانده‌است. کتیبه‌ها در قلعه مادیر (Madir) در زیر قلعه وان که از زمان پادشاهی ساردوری اول (Sarduri I) می‌باشد، اولین پادشاه اورارتویی که مدارک تاریخی از او در اختیار داریم، تنها به زبان آشوری است. کتیبه‌ای نیز شامل فهرستی از حیوانات قربانی شده در شکل یک محراب کنده شده در داخل یک صخره در بالای قلعه وان هم تنها به زبان آشوری است و احتمالاً متعلق به زمان همین پادشاه (ساردوری اول) می‌باشد. تعدادی از کتیبه‌های دو زبانه بعداً توسط پادشاهان اورارتو به کار برده شده را نه به‌عنوان مرحله‌ای در اقتباس خط آشوری بلکه باید به‌عنوان راهی برای فرستادن پیام برای ساکنان آشوری و اورارتویی در نواحی مرزی که زبان آشوری در این مناطق به‌صورت گسترده صحبت می‌شد، به حساب آورد. گرچه ممکن است سطح سواد خواندن در این مناطق پایین بوده باشد. مثال‌هایی از چین کتیبه‌ها در توپزاوا (Topzawa) و کلیشین (Kelishin) به دو زبان اورارتویی و آشوری در کوه‌های زاگرس موجود هستند. کتیبه‌های دو زبانه دیگر با همان زبان‌های فوق‌الذکر در دهکده کونلی (Kevenli) پیدا شده‌اند که نزدیک مرز نبوده‌است و ممکن است که این کتیبه‌ها به‌منظور اطلاع‌رسانی برای اسیران غیر نظامی آشوری که توسط اورارتوییان در این ناحیه اسکان داده شده‌بودند به رشته تحریر در آمده باشند.

- Beiheft 6).Munchen.
- Diakonoff,I.M. & Starostin .S.A; 1986. Hurro-Urarteanas an Eastern Caucasian Language (Munchener studien zur sprachwissenschaft. Boheft 12). Munchen.
- Dincol, A.M; 1974. "Cavustepe kazisinde cikan yazith kucuk buluntular. (Beschriftete kleinfunde aus der Urartaischen Burg Cavustepe)", Anadolu (Anatolia), vol.XVIII. pp.105-121.
- Dincol,A.M. ve Kavakli,E; 1978. "Van Bolgesinde bulunmus yeni Urartu yazitlari. (Die neuen urartaischen inschriften aus der Umgebung von Van).", Anadolu Arastirmalari. Jahrbuch fur kleinasiatische forschung. Ek Yayin Beiheft 1, Istanbul.
- Dincol,A.M. ve Kavakli.E; 1979. "Karahan koyu, nde bulunan dort yeni Urartu yaziti", Anadolu Arastirmalari Jahrbuch fur kleinasiatische forschung, vol.VI. pp.17-32.
- Dincol,B ve Dincol,A.M; 1986. "Eine Wiederentdeckte Assyrische Inschrift auf den van-felsen", Anadolu Arastirmalari Jahrbuch fur kleinasiatische forschung, vol.X (Gedenkschrift fur U.B.Alkim). pp.351-353.
- Dincol,A.M; 1994. "Cultural and political contacts between Assyria and Urarru", Tel Aviv, vol.XXI. pp.6-21.
- Dincol,A.M. ve Dincol,B; 1995. "Neue Inschriften und Beschriftete Bronzeobjekte aus Anzap", Studiae Historiae Ardens (Festschrift tur ph. H.J.Houwink ten cate! der: P.J. van den Hout & J.de Roos), Istanbul.
- ; 2001. "Eskicagda Dogu Akdeniz Havasi ve Anadolu da Diller ve yazilar. (Languages and writing in the Eastern Mediterranean Basin and in Anatolia in Antiquity).", Bogazkuy den Karatepeye Hititbilim ve Hitit Dunyasinin kesfi from Bogazkoy to Karatepe: Hittitology and the Discovery of the Hittite World(yapi kredi kultur sanat Yayincilik, sergi katalogu). Istanbul. pp.20-37.
- Haas.V(der); 1986. Das Reich Urartu-Ein Altorientalischer Staat im I.Jabrtausend v.chr.(Xenia 17). Konstanz.
- ; 1988. Hurriter und Hurritisch (Xenia 21). Konstanz.
- Melikishvili,G.A;1971. Die Urartaische Sprache (studia pohl 7). Rome.